نگاه

بلندپروازی‌های لاپورتا پایانی ندارد

کاتالونیا منهای اسپانیا

ترجمه: سهیل نوری‌پناه

تا ۶ هفته دیگر لالیگا، حیاتی دوباره می‌یابد و اما هنوز با چنین فاصله‌ای و در چنین گرمای کشنده و سرگیجه‌آوری، می‌توان رگه‌هایی از هوس و شور فوتبال را لمس کرد. رادیو بارسلونا، روزهای پرمشغله‌ای را سپری می‌کند و کارشناسان فوتبال این شبکه، با شعف خاصی، از ورود دو ستاره جدید این تیم یعنی لیلیان تورام و جیان لوکا زامبروتا سخن می‌گویند. یکی از خود سئوال می‌کند که چه می‌شود این بارسا در فصل جدید، با این زوج پراعتبار! یکی به رادیو زنگ می‌زند. آتشش تند است و بسیار خشمگین. گویا او از «خیرونا» است. «Laporta, dimision» . . . «لاپورتا گورت را گم کن و استعفا بده!» برخی از مردم این ایالت، به سختی می‌توانند خود را با شرایط موجود در بارسا، خرسند نگاه دارند. خب، چه می‌شود کرد؟ این را می‌توان از خصایص باشگاه‌های شکوهمند و بزرگی خواند که حتی در آرمانی‌ترین شرایطشان نیز یافت می‌شوند عده‌ای که ساز مخالف کوک می‌کنند و نارضایتی‌شان را از شرایط حاکم ابراز می‌دارند. و این نیز یکی از عجایب و شگفتی‌های کشور اسپانیاست که هواداران باشگاه‌های بزرگ، قدرت و نفوذی حیرت‌انگیز در اعمال سیاست‌های موجود در این باشگاه دارند. آن مرد از «خیرونا» شاید جمعه، وقتی دریافت که خوان لاپورتا رئیسی که بارسلونا را قهرمان دوساله لالیگا و فاتح اروپا ساخته و کسی که در اغوا ساختن ستاره‌هایی چون رونالدینیو، دکو، ساموئل اتوئو، لیلیان تورام و جیان لوکا زامبروتا موفق شده، بار دیگر برای انتخابات جدید این باشگاه که نزدیک به ۱۴۰ هزار نفر عضو و هوادار رسمی واجدشرایط برای رای دادن دارد، خود را نامزد کرده است خشمگین‌تر شد. لاپورتا بار دیگر خود را در میان توده عظیم کاتالان محبوب می‌بیند. در طول این سه سال حکومت او، پس از آنکه با وعده به خدمت گرفتن دیوید بکام و بازگرداندن جام‌ها و افتخارات متعدد توانست توجه هواداران بارسا را به خویش جلب کند، چندان سر و صدایی که بتوان بوی تبلیغات و جلب توجه را از آن استشمام کرد به گوش نرسید. قسمتی از آن وعده و وعیدهایش را جامه عمل پوشاند: «جام‌ها و افتخارات». اما بخش دوم چنین شعار تبلیغاتی‌ای، که شامل به اثبات رساندن بارسا و تملک بازیکنان بزرگی که بتوانند از این حیث چلسی را کنار بزنند هنوز در ادامه مسیرش قرار دارد و دیگر اینکه، هدفی که برخلاف سنت دیرینه بارسا، برای رسیدن به آن، این روزها تکاپوی بسیاری دیده می‌شود: پیام لاپورتا که این پیام حاوی چنین نکته‌ای است: «بارسا و قاصدی بشردوست.»

در چنین برهه‌ای، چشم‌انداز لاپورتا را می‌توان تبدیل ساختن بارسا به وسیله‌ای برای متحد ساختن توده‌های گوناگون مردم خواند. حداقل چنین برداشتی را می‌توانستم از صحبت‌هایش با یکی از خبرنگارانی که با او داشت مصاحبه می‌گرفت، برگیرم. او معتقد بود در فصل جدید سیمایی که از بارسا مشاهده خواهد شد، متفاوت است با آنچه که در گذشته به آن نظر می‌افکندیم. گرچه چنین دگرگونی‌ای، رابطه‌ای با حضور جیان لوکا زامبروتا در کاتالونیا ندارد. بلکه قصه، به پیراهن‌ها و تی‌شرت‌های جدید بارسا پیوند می‌خورد که آن را متفاوت با گذشته‌اش نشان خواهد داد. آنها در طول تاریخ پرقدمتشان، برای نخستین بار، نوشته‌ای جدا از لوگوی باشگاه، بر روی لباس‌هایشان حک می‌کنند. هر چند چنین نوشته‌ای را باید متفاوت با دیگر نوشته‌های مرسوم در پیراهن دیگر باشگاه‌ها خواند. مثلاً نمی‌توان آن را با طراحی روی پیراهن رئال مادرید قیاس کرد که سالانه نزدیک به ۱۳ میلیون پوند، از حکاکی بر روی آن، سود خالص به جیب می‌زنند. بلکه به اعتقاد و گفته خوان لاپورتا، چیزی فراتر از یک پروژه اقتصادی و منفعت‌زاست. به قول او: «قدمی است برای تبلیغ انسان‌دوستی و نوع‌دوستی» آنها برای اشاعه چنین فعالیت‌هایی قراردادی محکم و رسمی نیز با یونیسف منعقد ساخته‌اند. آینده را می‌توان حتی از اکنون نیز روشن‌تر دید. بر پایه قرارداد تلویزیونی باشگاه، بارسا در طول ۷ سال آینده در مجموع و در بدبینانه‌ترین حالت چیزی حدود یک میلیارد یورو عایدش خواهد شد. گذشته از این، نمی‌توان از حرکت رو به پیشرفت و همواره مبتکرانه این غول کاتالانی در بازاریابی و تملک شرکت‌های تجاری بی‌اعتنا بود.

تا این تاریخ، چندان لاپورتا در نقل و انتقالات تابستانی ولخرجی قابل توجهی نکرده است. در راه به خدمت گرفتن ایدور گودیانسن، جیان لوکا زامبروتا و لیلیان تورام تنها ۳۰ میلیون یورو هزینه صرف کرده است که می‌توان این مبلغ را از ژانویه ۲۰۰۵ تنها هزینه بارسا برای به خدمت گرفتن بازیکن خواند. وقتی لاپورتای ۴۴ ساله، ۳سال پیش بدل به مرد همه کاره این باشگاه شد، اوضاع اقتصادی آنها در بدترین برهه و شرایطش به سر می‌برد. آشفتگی مالی در این مجموعه، به شدت ملموس بود و کم‌کم فاصله بسیار عمیق و دست‌نیافتنی بین شرایط آن روز آنها با آخرین سالی که توانستند صاحب جام شوند در حال شکل گیری بود. چیزی نزدیک به ۴ سال جوانی‌اش کمک بسیار بزرگی در راه جذب محبوبیت و هوادار به شمار می‌رفت. شخصیتی خاص و کاریزماتیک که البته از امتیاز رابطه‌اش با یوهان کرویف -که زمانی وکیل او به شمار می‌رفت- نیز بهره گرفت. خصوصاً اینکه او در نقش یک محرک قوی برای مردم کاتالونیا ظاهر شده بود تا مردم این سامان را به اتحاد بیشتر و عدم وابستگی هر چه ملموس‌تر آنها به دولت اسپانیا تشویق کند. لاپورتا به این مجموعه سیمایی «کاتالانیستا» بی‌تر داد. چه آنکه همواره بر این عقیده پایبند بوده، که باید خط مرزی آشکار میان این ایالت و دولت اسپانیا ایجاد کرد و اینکه کاتالونیا، خود یک کشور مستقل است. چنین تلقی‌ای را می‌توان عمیقاً از آستین و یقه پیراهن‌های این باشگاه که منقش به پرچم رسمی این ایالت است استنباط کرد. او می‌کوشد تا پلی بنیان نهد که با آن بتوان از ندای بشردوستانه دفاع کرد و در کنار آن جامعه و فرهنگ کاتالونیا را نیز به دیگران شناساند. او اعتقاد دارد که پس از حکومت ژنرال فرانکوی دیکتاتور، باشگاه بارسلونا بهانه‌ای بود برای حضور در انجمنی که بتوان زبان کاتالونیایی را فرا گرفت، آن را درک کرد و به پرچم این ایالت احترام گذاشت. مردم به کاتالان و بارسلونا عشق می‌ورزند، چرا که آن را نمادی می‌پندارند از دفاع از آزادی و دموکراسی.

ماتراتزی از فینال جام جهانی و جریمه فیفا می‌گوید

مجبورم سکوت کنم

ترجمه: محسن ابراهیمی

ماتراتزی محروم می‌شود، یعنی اینکه اشتباهی از او سرزده است و باید تاوانش را بپردازد، اما به خاطر چه کلماتی و چه رفتاری؟ این سئوالی است که همه از ماتراتزی می‌پرسند و او هم جوابی برای آن ندارد، حداقل اینکه نباید جوابی داشته باشد. ایتالیایی‌ها عکس‌العمل‌های متفاوتی داشته‌اند، همان قدر که آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها او را مستحق جریمه سنگین‌تری می‌دانند، هموطنان و دوستان ماتراتزی عقیده‌ای برخلاف آن دارند. جوزپه ماتراتزی پدر مارکو می‌گوید: «فیفا فقط خواسته است تا از بازیکن بزرگی به نام زیدان محافظت کند، بدون اینکه متوجه باشند آنها با این تصمیم تمام فوتبال را تنبیه کرده‌اند. دیگر نمی‌خواهیم در این مورد فکر کنیم. ایتالیا قهرمان شد و پسرم با کلاهی که بر سر داشت جام را در دست گرفت، در حالی که زیدان با سری پائین میدان را ترک کرد. این دو تفاوت بسیاری با هم دارند. این طور نیست؟» ماتراتزی مسن این جملات را می‌گوید تا تسکینی باشد برای مارکوی جوان که از این محرومیت ناراحت و غمگین است. او وقتی حکم کمیته انضباطی فیفا را دریافت می‌کند، متوجه می‌شود که باید هرچه زودتر این پرونده را ببندد و در مصاحبه با روزنامه گاز تا دلو اسپورت طور دیگری صحبت می‌کند.

■ ■ ■

■ ماتراتزی ببخشید حتماً حکم فیفا را شنیده‌ای؟

بله، شنیدم و از من خواستند که نه جوابی برای آن داشته باشم و نه در مورد آن صحبت کنم، حتی به قیمت یک رنج و درد بزرگ همیشه سکوت کنم. من هم این کار را انجام می‌دهم چون می‌دانم در صورت عمل نکردن به این توافق خطرهایی برایم به وجود خواهد آمد.

■ کدام خطرات و محرومیت‌ها؟

شاید جنگ جهانی راه بیفتد. همین جا بحث را تمام کنیم.

■ خب می‌توانیم از جام جهانی و دیگر چیزها حرف بزنیم؟

بله، این طوری بهتر است. چون باید با احساس عجیب و جدیدی زندگی‌ام را از این به بعد شروع کنم.

■ یعنی چه؟

همان طور که در آلمان بود، همیشه در هتل بودیم، در محل تمرین و هفت ورزشگاه محل بازی‌های ایتالیا مراقبت می‌شدیم و همه دوستانم، خانواده‌ام و طرفداران فوتبال کمتر شاهد بازی‌های جذاب و زیبا بودند، از این به بعد هم این طور خواهد بود.

■ قبل از اینکه به تعطیلات بروی، آیا توانستی اوضاع را کمی روبه‌راه کنی؟

بله. یک گفت‌وگوی مفصل با تلویزیون اسکای داشتم و با گزارشگران و منتقدین آن حرف زدم. می‌توانم عکس‌العمل و احساس خودم را بگویم؟

■ بله. مسلماً.

واقعاً هیجان‌زده بودم که چطور من در برلین یا در دورتموند بودم. به خاطر اینکه بعد از دو هفته دوباره همان صحنه‌های زیبای فوتبال ایتالیا را دیدم و از آن لذت بردم، حتی صورت‌های خندان و هیجان مربیان تیم را که تا آن روز فقط در دل حال فرار بودند.

■ و کارسا (گزارشگر تلویزیون اسکای) حالا برای تو یک فرد مهم است.

بعد از بازگشت از تعطیلات می‌خواهم جشنی ترتیب بدهم و به او یک مدال هدیه بدهم و از او به خاطر لطفی که به ما داشت تشکر کنم.

■ می‌دانی که در مقابل زیدان و فیفا هم او تبدیل به یک پدیده ایتالیایی شد؟

بله، خیلی‌ها با حمایت و حرف‌های خود از من دفاع کردند و برایم جالب توجه بود. حتی فیلم‌هایی که در اینترنت گذاشته بودند این حمایت را معنا می‌داد. چون فکر نمی‌کردم این قدر زود عکس‌العمل نشان بدهند.

■ این یعنی زندگی دوم ورزشی ماتراتزی. . .

ببینید، من همیشه همین طور بوده‌ام. این فقط من هستم که تاوان می‌دهم آن هم به گران‌ترین قیمت. هر چند در گذشته اشتباهاتی داشته‌ام و به آن اعتراف می‌کنم. اما من هم یک آدم هستم، یک پدر هستم و البته یک فوتبالیست. تمام زندگی‌ام، خانواده‌ام است و همیشه ماتراتزی حرف گوش کنی بوده‌ام و تبدیل به آدم دیگری نشدم، بعد از این هم تغییری نخواهم کرد.

■ کدام تصویر در این ماه هنوز در ذهنت باقی مانده است؟

خنده فرزندانم. شب حضور در رم و میدان بزرگ شهر، همه ما ایتالیایی‌ها، خانواده‌مان را به هتلی بردیم که پنجره‌های آن رو به میدان و انبوه جمعیت باز می‌شد. پسرم، داویده نمی‌دانست که ما چرا در میان جمعیت هستیم و گریه می‌کرد. او فکر می‌کرد که ما را دزدیده‌اند. پسر کوچکم هم وقتی بزرگتر شد در مورد این شب باشکوه به او توضیح خواهیم داد که در ژوئن سال ۲۰۰۶ برای پدرش چه اتفاقی افتاد.

■ یک تصویر ثابت دیگر هم این است که وسط زمین داور را بغل کردی. . .

در حقیقت من تصویر بوفون یادم مانده که ۷۰ متر دوید تا بعد از گل مقابل چک مرا بغل کند. من کمی ترسیده بودم و درونم پر از اضطراب بود. از جام جهانی ۲۰۰۲ فقط یک کابوس به یاد داشتم، وقتی که مقابل کرواسی به میدان رفتم و با مصدومیت بیرون آمدم. ۴ سال مقاومت کردم تا به خواسته‌ام برسم. لیپی به من اطمینان کرد و همین باعث شده بود تا قدرت مضاعفی در خودم احساس کنم.

■ بعد از گل به فرانسه به مادرت سلام کردی درحالی که به آسمان نگاه می‌کردی.

آن موقع به دنبال یک فرصت مناسب بودم. یک چهارم نهایی را از دست دادم اما نمی‌خواستم فینال را هم ببازم. فکر کردم که زندگی واقعاً زیبا است و فوتبال هم می‌تواند کارهای اعجاب‌انگیزی بکند. بله این گل را به مادرم و به میلیون‌ها طرفداری تقدیم کردم که منتظر آن بودند. تنها فرصتی بود که می‌توانستم هدیه‌ای بدهم.

■ اما ماتراتزی امروز سمبل فوتبال ایتالیا است کسی که مرزهای اینتر را هم پشت سر گذاشت.

بله بعد از فتح جام همه چیز زیبا است. الان که در مالدیو هستم صبح‌ها وقتی از خواب بلند می‌شوم SMSهای دوستانم، تونی، جیلا و یاکوئینتا را می‌خوانم که هر روز برایم می‌نویسند؛ صبح بخیر قهرمان. ما در آلمان توانستیم رابطه و دوستی بزرگی را به‌وجود بیاوریم که هیچ وقت تمام نمی‌شود. برای من این مهمترین مسئله است.

■ در مالدیو به تو چه می‌گویند؟

جمعیت بسیار زیادی اینجا است و همه لبخند می‌زنند و دوست دارند که یک عکس یادگاری داشته باشند. خارجی‌ها هم وقتی که این موضوع را فهمیدند به نوعی تبریک می‌گویند.

■ آینده ماتراتزی در اینتر چگونه خواهد بود؟

«اگر می‌خواهید در این مورد بدانید به وکیلم زنگ بزنید. حالا هم همه چیز را فراموش کرده‌ام، به زیدان فکر نمی‌کنم و می‌خواهم با خانواده‌ام راحت باشم.»

او بازی انتقامی با فرانسه در پاریس را از دست می‌دهد اما دوست ندارد که با حرف‌هایش یک جنگ جهانی راه بیندازد. پس ترجیح می‌دهد سکوت کند و بعد از تعطیلات فقط به اینتر فکر کند ولی اتفاق ماتراتزی - زیدان را هیچ‌کس فراموش نمی‌کند، حتی اگر او در مالدیو باشد.

جانشین پریرا معرفی شد

دونگا مربی برزیل

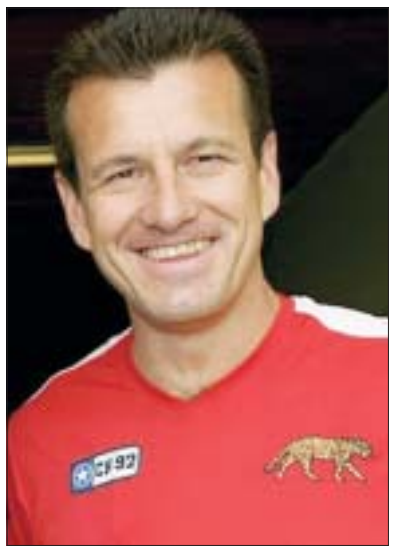

دونگا کاپیتان برزیل در دو جام جهانی ۹۴ و ۹۸ به عنوان سرمربی برزیل و جانشین کارلوس آلبرتو پریرا مربی سابق خود انتخاب شد. قبل از انتخاب دونگا صحبت از واندرلی لوکزامبورگو مربی سابق برزیل و پائولو آتوئوری بود اما مثل اینکه تجربه آلمانی‌ها در انتخاب کلینزمن به عنوان مربی‌ای که در جام جهانی نتایج خوبی گرفت برزیلی‌ها را به این فکر انداخت که از این مربی جوان و بدون سابقه مربیگری استفاده کنند. در سال‌های اخیر این دومین بازی‌ای است که فردی مربیگری برزیل را به عهده می‌گیرد که سابقه‌ای در مربیگری ندارد. بین سال‌های ۹۰ تا ۹۱ فالکائو هدایت برزیل را در اختیار داشت اما نتوانست نتایج خوبی به دست آورد. ریکاردو تیکسیرا رئیس کنفدراسیون فوتبال برزیل پس از جلسه‌ای دوساعته با دونگا این انتخاب را در راستای تغییرات بنیادین در تیم ملی برزیل برای جام جهانی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ دانست و گفت: «انتخاب دونگا خواسته تمام هواداران تیم ملی برزیل بود. آنها می‌خواستند مربی تیم ملی کشورشان یک فرد باانگیزه باشد.» دونگا در جام جهانی ۹۴ کاپیتان برزیل بود و این تیم موفق شد تحت هدایت کارلوس آلبرتو پریرا پس از ۲۴ سال قهرمان جام جهانی شود.

در سال ۹۸ اما برزیل همراه با کاپیتان دونگا در فینال مغلوب فرانسه میزبان شد. دونگا در جام جهانی ۹۰ نیز عضو تیم ملی برزیل بود. اما پس از حذف برزیل در مرحله یک هشتم نهایی توسط آرژانتین هواداران برزیل دونگا را زیر انتقادهای شدید خود قرار دادند. آنها اعتقاد داشتند که سبک بازی درگیرانه و تدافعی برزیل که نماد آن دونگا بود باعث حذف تیم ملی کشورشان شده است. اولین تجربه دونگا به عنوان مربی برزیل ۱۶ آگوست (سه هفته دیگر) و در یک بازی دوستانه مقابل نروژ خواهد بود. دونگا پس از انتخاب به عنوان مربی برزیل گفت: «می‌خواهم همان انگیزه و اشتیاقی را که خودم در زمان بازی در تیم ملی داشتم به بازیکنان انتقال دهم. انگیزه و تمایل برای پیروزی اصلی‌ترین ملاک‌های من برای انتخاب بازیکنان خواهد بود. اگر بخواهم از انتقادات بترسم همین امروز پست خود را ترک خواهم کرد. می‌دانم که اکثر انتقادات مغرضانه است اما کاری نمی‌شود کرد و پاسخ منتقدین را در زمین خواهیم داد.

آرزوهای جرارد

استیون جرارد کاپیتان لیورپول علاقه زیادی دارد تا پس از کناره‌گیری دیوید بکام از کاپیتانی انگلیس بازوبند کاپیتانی تیم ملی را هم در اختیار داشته باشد. بکام پس از حذف انگلیس مقابل پرتغال در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی اعلام کرد که دیگر نمی‌خواهد کاپیتان تیم ملی انگلیس باشد. البته اگر او چنین تصمیمی نمی‌گرفت هم استیو مک لارن مربی جدید تیم ملی انگلیس بازوبند کاپیتانی را از او پس می‌گرفت. مک لارن قبل از آغاز جام جهانی به‌طور غیرمستقیم از کاپیتانی بکام در تیم ملی انتقاد کرده بود. جرارد می‌گوید: «معلوم است که دوست دارم کاپیتان تیم ملی باشم. این چیزی است که هر بازیکنی رویای آن را در سر می‌پروراند. اما ترجیح می‌دهم در این مورد حرفی نزنم. مک لارن در این مورد باید تصمیم‌گیری کند. اگر من کاپیتان شوم که افتخار بسیار بزرگی برای من است. اگر هم بازیکن دیگری این عنوان را در اختیار داشته باشد به‌طور کامل از او حمایت خواهم کرد.» جان تری و فرانک لمپارد نیز از کاندیداهای دریافت بازوبند کاپیتانی تیم ملی انگلیس هستند. جرارد روز گذشته در معرفی پیراهن جدید لیورپول به رافا بنیتس مربی تیمش توصیه کرد که یک هافبک راست به خدمت بگیرد. «امیدوارم مربی یک هافبک راست را در فصل نقل و انتقالات به خدمت بگیرد. با چند بازیکن در حال مذاکره هستیم و بنیتس گفته قصد دارد چند بازیکن را به ترکیب تیم اضافه کند. فصل گذشته قهرمان FACUP شدیم و اعتقاد دارم که در فصل جدید قهرمانی لیگ برتر را نیز می‌توانیم به دست آوریم. هیجان زیادی برای آغاز مسابقات دارم. سه، چهار بازیکن جدید به خدمت گرفتیم و یکی، دو بازیکن دیگر نیز به جمع ما افزوده می‌شود. فصل گذشته پیشرفت زیادی در لیگ برتر داشتیم. به نظرم هنوز هم چلسی شانس اول قهرمانی است و ما کار سختی در پیش رو خواهیم داشت. منچستر، آرسنال و تاتنهام را هم نمی‌توان نادیده گرفت. لیورپول باشگاهی است که هر سال باید حداقل یک عنوان قهرمانی به دست آورد و امیدوارم این بار نوبت قهرمانی در لیگ برتر انگلیس باشد.»

کاسیراگی مربی زیر ۲۱ سال ایتالیا

فدراسیون فوتبال ایتالیا اعلام کرد که پی‌یر لوئیجی کاسیراگی بازیکن سابق یوونتوس و تیم ملی ایتالیا به‌عنوان جانشین کلودیو جنتیله در تیم زیر ۲۱ سال ایتالیا انتخاب شده است. جنتیله در سال ۲۰۰۴ تیم زیر ۲۱ سال ایتالیا را قهرمان اروپا کرد. جنتیله شش سال هدایت تیم ملی زیر ۲۱ سال ایتالیا را به عهده داشت. پیش از او مارکو تاردلی این سمت را عهده‌دار بود و موفق شده بود سه بار ایتالیا را قهرمان اروپا کند کاسیراگی ۳۷ساله دو بار با یوونتوس قهرمان جام یوفا شده است و ۴۴ بار نیز پیراهن تیم ملی ایتالیا را بر تن کرده و موفق شده ۱۳ گل برای تیم ملی کشورش به ثمر برساند. کاسیراگی در سطح جوانان مربی بی‌تجربه‌ای به حساب نمی‌آید. او سابقه هدایت تیم جوانان مونتزا اولین باشگاه خود را در کارنامه دارد. پس از آن نیز او مربیگری تیم لگنانو یکی از تیم‌های سری C ایتالیا را به عهده داشت. دستیار کاسیراگی در تیم زیر ۲۱ سال ایتالیا آنتونیو روکا خواهد بود که پیش از این مربی تیم زیر ۱۶ و زیر ۱۷ سال ایتالیا بود. جان فرانکو زولا ستاره سابق تیم ملی ایتالیا نیز به‌عنوان یکی از اعضای کادر فنی برگزیده شده است. زولا که سال گذشته با فوتبال خداحافظی کرد به دلیل نداشتن مدرک مربیگری عنوان مشاور فنی تیم زیر ۲۱ سال را در اختیار دارد. کاسیراگی با ابراز خوشحالی از انتخاب خود گفت: «تا چند روز پیش اصلاً تصور نمی‌کردم که چنین سمتی را عهده‌دار شوم. اما پس از آنکه چنین پیشنهادی به من شد با اشتیاق آن را پذیرفتم و امیدوارم بتوانم نتایج درخشانی با این تیم بگیرم.» اولین تجربه کاسیراگی روی نیمکت زیر ۲۱ سال ایتالیا در دیدار دوستانه مقابل کرواسی خواهد بود که سه هفته دیگر انجام می‌شود.

چهره‌ها

بارسا نماد فوتبال زیبا

جان لوکا زامبروتا امیدوار است در بارسلونا جام قهرمانی اسپانیا را بالای سر ببرد. زامبروتا که یکی از بهترین‌های ایتالیا در جام جهانی آلمان بود هفته گذشته از یووه جدا شد و به بارسلونا پیوست. زامبروتا به سایت رسمی بارسا گفت: «در تورین از شرایط راضی بودم. هفت سال بسیار خوب را آنجا سپری کردم. مطمئنم که دلم برای یووه تنگ خواهد شد چرا که به عنوان یک انسان آنجا کامل شدم و نخستین قهرمانی‌هایم را به دست آوردم. اما، به این نتیجه رسیدم که زمان تغییر و تحول و پیوستن به تیم بزرگی فرا رسیده، امیدوارم همه چیز خوب پیش برود.» جمعه گذشته جان لوکا زامبروتا با سیزده میلیون پوند راهی نوکمپ شد. لیلیان تورام هم او را در این سفر همراهی کرد. مدافع ایتالیا ادامه داد: «بسیار خوشحالم که بازیکن بارسلونا شدم. به باشگاه بزرگی آمده‌ام که می‌تواند افتخارهای باورنکردنی به دست آورد. اکنون ماجراجویی تازه شروع شده و من مشتاقانه به دنبال آن هستم. بارسلونا یکی از نیرومندترین تیم‌های جهان است و برای همین این باشگاه را انتخاب کردم. به جز خود شهر، مردم، بازیکنان، مربیان و همه چیز سبب شد که من این گام را بردارم. در سال‌های قبل بارسلونا زیباترین فوتبال را در جهان به نمایش گذاشته است. این بسیار لذت‌بخش است که بخشی از گروهی را شکل بدهی که در آن ستارگانی نظیر رونالدینیو، دکو، مسی، اتوئو، پویول و سایرین حضور دارند.» زامبروتا درباره گفت‌وگویش با فرانک رایکارد سرمربی بارسلونا گفت: «ما تلفنی با هم حرف زدیم، او به من برای قهرمانی در جام جهانی تبریک گفت. پیش از پیوستن به بارسلونا هم به من زنگ زد. او به طور کامل از کارهای خوبی که چند سال گذشته انجام داده‌ام آگاه بود، هنوز نمی‌دانم چه نقشی خواهم داشت. در یووه در سمت چپ خط دفاعی بازی می‌کردم اما، در تیم ملی ایتالیا بیشتر در سمت راست به میدان رفته‌ام. اکنون به سرمربی بستگی دارد که در چه منطقه‌ای بازی کنم.»

می‌خواهم ادامه دهم

سول کمپل بازیکن انگلیسی آرسنال اعلام کرده است که به‌رغم ترک باشگاه آرسنال قصد خداحافظی از دنیای فوتبال را ندارد و می‌خواهد که فوتبالش را در خارج از جزیره ادامه دهد. این بازیکن ۳۱ساله انگلیسی می‌گوید: همه این صحبت‌ها پیرامون بازنشستگی من و رفتن من به هالیوود بی‌اساس است، بی‌اساس، بی‌اساس. من می‌خواهم تا فوتبالم را در جای جدیدی ادامه بدهم و در خارج بازی کنم. کمپل ادامه داد: بله، باشگاه‌هایی از ایتالیا ابراز تمایل کرده‌اند، همچنین اسپانیا، آلمان و همچنین اینجا در خانه خودم اما هیچ چیز قطعی نشده است. کمپل با وجود اینکه در تیم ملی انگلیس در جام جهانی آلمان شرکت داشت ولی فصل گذشته را با آرسنال به خوبی نگذراند. کمپل می‌گوید: مردم به بازی وستهام اشاره می‌کنند و رفتنم به منزل و درباره اینکه عشقم را به بازی از دست داده یا اینکه می‌ترسم، بحث می‌کنند اما من نمی‌توانم دیگر در سطح بالایی بازی کنم. در آستانه یک مصدومیت طولانی‌مدت بودم که ممکن بود شانس جام جهانی را برای من خراب کند و اگرچه می‌توانست به پایان دوره بازی من خاتمه بدهد. کمپل در ادامه گفت: من تصمیم گرفتم که ریسک نکنم و توجه بیشتری داشته باشم و بیرون رفتم و زمانی برگشتم که می‌دانستم آماده هستم. کمپل همچنین خروجش از آرسنال را به صورت دوستانه می‌داند و می‌گوید: در خاتمه فصل گذشته من احساس کردم که احتیاج به یک شروع نو دارم و با آرسنال درباره آن صحبت کردم. من با مربی آرسن ونگر و دیوید دین صحبت کردم و فقط درباره رفتن از آنجا. بیشتر صحبت ما درباره این بود که این موقعیت برای هر دو ما واقعاً خوب خواهد بود. آنها این مسئله را درک کردند که انتقال من برایم بهتر خواهد بود. هیچ مشاجره‌ای وجود نداشت. همه چیز دوستانه صورت گرفت. آنها رفتاری شرافتمندانه و شایسته داشتند. مدافع سابق تاتنهام گفت: من می‌دانم که می‌خواهم بازی کنم، در حقیقت احتیاج به بازی کردن دارم. نه به خاطر پول چرا که من خوش شانس هستم که احتیاج به پول ندارم اما احتیاج به یک رقابت جدید دارم.

با یووه ازدواج کرده‌ام

پول تنها موضوع مهم در فوتبال نیست، این را می‌توانید از بعضی از بازیکنان یوونتوس بپرسید که با وجود رسوایی یووه و سقوط به سری B در تورین ماندند. جان لوکا زامبروتا، لیلیان تورام، فابیو کاناوارو و امرسون پس از کاپلو از یوونتوس جدا شدند. اما، بازیکنانی نظیر نیکولا لگروتالیه ترجیح دادند در دل آلپی بمانند. او گفت: «من با یوونتوس ازدواج کرده‌ام و در غم و شادی‌اش سهیم خواهم بود!» این بازیکن با شش میلیون پوند از کیه‌وو به یووه آمد و البته دو فصل گذشته را به طور قرضی در بولونیا و سیه‌نا بازی کرد. لگروتالیه در این باره گفت: «به عنوان یک بازیکن و یک انسان مجبور بودم با خیلی چیزها در دو سال گذشته کنار بیایم. اکنون فرصت بسیاری دارم تا خودم را نشان بدهم. فصل نخستم در یوونتوس را بسیار خوب شروع کردم اما، از ماه نوامبر تمام تیم از شرایط آرمانی دور شد. می‌دانم اشتباهاتی از من سر زد و می‌خواهم این بار جبران کنم و از تمام توانم استفاده خواهم کرد. یوونتوس هنوز یوونتوس است. دو سال گذشته دلم برای تورین تنگ شده بود از هر زمان دیگری بیشتر انگیزه دارم تا دینم را به باشگاه و هواداران ادا کنم.»